معانی سه‌گانه برای هر نماد

خب ما الآن به‌دنبال درک معنا هستیم، و عینکی که معنا را در زبان ببیند. جلسه قبل گفتم اساس زبان به نماد بند است. نمادها، دسته‌بندی‌هایی دارند؛ قبلاً در مباحثه تفسیری گفته بودم و شاید جلسه قبل هم اشاره کردم. نماد، دسته‌بندی مفصلی دارد. بحث نشانه‌شناسی و علم نشانه‌شناسی علم بسیار مهمی است. یکی از انواع مهم نشانه‌ها، همین نماد است؛ «symbol». نمادها جور و واجور هستند. نمادهای تکی؛ مثلاً یکی پرچم ای یک بردنی است که خودش دلالت بر یک معنایی دارد. نمادهایی هستند که گروهی هستند؛ یعنی در ارتباط با هم هستند و در یک کلاس هستند، مثل علامت چهار عمل اصلی؛ می‌گویی علامت جمع و منها و تفریق و تقسیم؛ چهار نماد است که با هم یک گروه تشکیل می‌دهند. مثل نُه رقم؛ ۰ و ۱ و ... ۹؛ اینها نمادهایی هستند که گروهی هستند. بعد با هم شروع می‌کنند به ساختن و جلو رفتن در دنبالهٔ اعداد. نمادهایی هم هستند که معنا ندارند؛ گروهی هستند اما معنا ندارند. نمادهایی هستند که گروهی هستند اما معنا دارند؛ رقم های عدد، گروهی هستند و معنا دارند؛ ۱ و ۲ و ۳ را توضیح می‌دهی. علامت جمع و تفریق هم گروهی هستند و معنا دارند. اما حروف الفبا، نمادهای گروهای هستند که تک‌تک آن‌ها معنا ندارند. وقتی آن‌ها را جمع می‌کنی، باز هم معنا ندارند و فقط خودشان هستند. بیست و هشت حرف را، سی و دو حرف را...؛ الف، ب، ت، ث و ... معنا ندارند، ولی نماد گروهی هستند که قدرت این را دارند که بعدها خیلی کارها از آن‌ها ببینی و بعداً زبان را تشکیل می‌دهند.

گفتم ۱ و ۲ و ۳ معنا دارند. عینک معنابینی چنین می‌بینند. جمع معنا دارد. اما ب، معنا ندارد. این عینک در اینجا خیلی ساده است و همه هم با ما همراهی می‌کنند. مشکلی هم نداریم. وقتی می‌گوییم الف و ب و ت، شما از الف و ب و ت، چه معانی‌ای به ذهنتان آمد؟ هیچی. معانی نیامد. حروف الفبا بدون معنا هستند. اما وقتی می‌گویی ۰، ۱، ۲، ای می‌گویی جمع و تفریق، می‌توانی این‌ها را توضیح دهی و حد و رسم داری که می‌توانی برای آن‌ها حد و رسم ارائه بدهی؛ آن معانی‌ای که به ازاء این‌ها است.

تا اینجا مشکلی نیست. مشکل در جایی است که این نمادها و هر نمادی، سه معنا به حاشیش قرار می‌گیرد. یکی از آن‌ها قراردادی است و دو تا از آن‌ها غیر قراردادی است.

هر نمادی یک معنا همراهش هست؛ معنای ذاتی خودش. یعنی هر نمادی یک تعریف حدی ای رسمی دارد. یعنی توضیح می‌دهی که آن چیست. همین علامت جمع را می‌گویی دو خطی است که بر هم عمود شده‌اند. نقش دو خط به این صورت است. مثلاً «ب» چیست؟ نقش تصویری آن یک خط کشیده‌ای است که دو طرفش یک خط بالا آمده. ای یک لفظی است که از دهان بیرون می‌آید. می‌توانی نماد را توضیح بدهی. توضیح دادنش در خیلی از جاها دقیق و ظریف می‌شود. اما این مشکلی ندارد. این معنای خودش و ذات خودش است و تعریفی است که برای خود نماد ارائه می‌دهی؛ این معنای ذاتی است.

شاگرد: معنای ذاتی الف این است که چیزی است که به این صورت نوشته می‌شود؟

استاد: بله، الف مکتوب معنایش چیست؟ می‌گویی خط مستقیمی است که به‌صورت عمود از بالا تا پایین رسم می‌شود و انتهای آن روی خط کرسی می‌آید. مثلاً وقتی آن را می‌نویسی، وسط الف، روی خط کرسی نمی‌آید، بلکه از بالا می‌آیی و انتهای الف روی خط کرسی نوشته می‌شود. لذا هر کدام تعریف نماد است و می‌توانی این نماد را تعریف کنی.

معنای دوم: معانیای است که با نماد رابطه طبعی دارد. رابطه طبعی چه بود؟ یعنی تناسبها. مثلاً فلش در دکمههای صفحه کلید؛ میبینید چهار کلید در کنار هم هستند که چهار فلش روی آنها است: یکی به بالا است، یکی به پایین و یکی به راست و دیگری به چپ. هر کسی نگاه میکند میبیند این یک نماد است، اما ریختش طبعاً با معنایی رابطه دارد. رو به بالا، به طرف پایین، راست و چپ؛ با یک معنایی رابطه طبعی دارد. شما میتوانید قرارداد را به هم بزنید و هیچ مشکلی ندارد، ولی این رابطه طبعی را دارد.

بخش سوم که مقصود ما است و بسیار مهم است، نماد برای یک معنای قراردادی - موضوع له - است. با وضع برای موضوع له، با قرارداد، با پروتکل، با استاندردسازی، به ازاء یک نماد، معنایی را قرار میدهید. الآن این بخش سوم، موضوع بحث ما است.

بازبینی #3
ایجاد شده 22 سپتامبر 2024 13:25:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 14:02:34 توسط ... .